



خیلواکی

استقلال

www.esteglaal.net

سه شنبه ۰۴ اگست ۲۰۲۶

تهیه، ترتیب و ترجمه: فریده نوری

آب، یک محدودیت برای توسعه و انکشاف آسیای مرکزی؟

منبع: مجله دیپلوماسی (DIPLOMATIE)

No : ۱۳۹

نویسنده : Cédrec gras, Géograph

تاریخ نشر: می - جون ۲۰۲۶

آب یکی از مسائل عمده در آسیای مرکزیست. کشور های منطقه قادر به مهار نمودن

پدیده های نو که از یک سال به سال دیگر بدتر می شوند، نیستند.

زیرا این یک میراث سنگین پلان گذاری دوران کمونیستی

می باشد که به آن فرسودگی زیربناها، بلند رفتن

رشد نفوس، حفر کانال های جدید

و تغییرات آب و هوا علاوه

گردیده است.

برای پُر کردن بحر (Aral) که در محدوده قزاقستان و ازبکستان قرار دارد، تا سال ۱۹۸۰ توسط دو دریای بزرگ، آمو دریا و سیر - دریا (Syr - Daria) که از آسیای مرکزی می گذرند، پُر می گردید. اما حالا مسیر دریای آمو آنچه از بحر ارال باقی مانده، نمی رسد و آب دریای دوم بسیار زیاد تقلیل یافته و در یک خلیج در شمال می ریزد که فعلاً توسط یک بند مسدود شده است.

از میراث شوروی تا بحران آب:

در دوران اتحاد جماهیر شوروی، زمین های خشک آسیای مرکزی جهت تولید پنبه اختصاص داده شد، و به این منظور یک شبکه، کانال ها حفر شد تا آب دریای آمو و دریای سیر را به مزارع پنبه برسانند، تا که چندین بار در سال این مزارع آبیاری شوند. شهر های مانند Noukous و

Ourguetch (ازبکستان) در بین مزارع سرسبز و یک منطقه وسیع زمین های زراعتی آبیاری قرار گرفته و سبب تولیدات زراعتی که به آب فراوان ضرورت دارد، مانند تربوز و برنج گردید. از آن زمان به بعد از حجم یا مقدار معتنا به آب ای که هر سال منحرف می شدند و دریا ها در مسیر شان حجم آب شان کم گردیده و نمی توانستند بحر ارال را تقویت کنند.

متخصصین مدتها فکر می کردند که باوجود خشکی و دور دادن مقدار هنگفت آب از دریا ها، آسیای مرکزی از یک "ذخیرگاه بزرگ آب" بهره مند است که از سلسله کوه های پامیر (تاجکستان) و Tian Shan (قرغزستان) و حتی از سلسله کوه های Altai (قزاقستان) تشکیل گردیده است.

با توجه به اینکه باران در دشت ها نادر است و اکثراً آب ابر ها در ارتفاعات بسیار بلند در شرق آسیای مرکزی سرازیر می شوند و در اکثر اوقات در زمستان به برف مبدل می شوند، مخصوصاً در حوزه آمو دریا.

بدین ترتیب ذخایر بزرگ یخ در ارتفاعات تشکیل گردیده و در فصل تابستان دریاها از آب شدن آن ها سیراب می شوند.

مقدار آب برای هر نفر و در هر سال در هنگام فروپاشی شوروی از اندازه بحرانی بالاتر بود، اما بلند رفتن نفوس بعد از سقوط شوروی سبب کاهش این تناسب گردید.

در سی و پنج سال جمعیت ازبکستان از بیست ملیون به سی و هفت ملیون بالا رفت و زراعت تقریباً یک پنجم تولید ناخالص داخلی را نمایندگی می نماید و در عین حال تا یک سوم جمعیت را مشغول به کار می کند.

در این زمینه یا در این شرایط، کم شدن زمین های کشت پنبه در حالیکه "طلای سفید" درآمدش بیشتر است، تأیید کننده یک اراده قاطع سیاسی می باشد. به این ترتیب در اطراف قلمرو ای که در اطراف کانال ها و مزارع شکل گرفته بودند، شهر ها توسعه یافتند و چنین به نظر می رسد که بازگشت به عقب امکان پذیر نیست. کانال Karakoum (قراقروم) به خوبی نشان می دهد که احیای بحر آرال (Aral) غیر ممکن است. امروز تصور می شود که از سی فیصد آب دریای آمو استفاده می گردد. ترکمنستان برای تأمین آب خود به نود و پنج فیصد آب وابسته است، و بدون آن این کشور که اساساً صحرایی ست، جمعیتش در اثر خطر اقتصادی ویران و نابود می شود.

کانال Karakoum یک خطر یا یک مشکل دیگر نشان می دهد: که عبارت است از مسئله به هدر رفتن آب در آسیای مرکزیست. این کانال به صورت باز حفر شده و در سطح زمین قرار دارد و از

خشکترین منطقه جهان به طول ۱۳۰۰ کیلومتر عبور می کند و گفته می شود که تنها نیم آب به عشق آباد پایتخت می رسد.

در سراسر آسیای مرکزی بین یک سوم تا نصف آب منحرف شده از دریا ها تبخیر یا به زمین جذب می شود.

به دلیل اینکه زیربناها کهنه و قدیمی اند و از آن ها بدرستی نگهداری نشده است.

یک بازیگر جدید: افغانستان:

در همین حال بود که در سال ۲۰۲۲ افغانستان اعلان اعمار یک کانال جدید انحرافی به نام "قوش تپیه" را نمود که مانند یک بمب صدا کرد. در واقع طالبان تصمیم گرفتند که ولایت مزار شریف در شمال افغانستان را که در کنار دریای آمو موقعیت دارد، برای زراعت اختصاص دهند.

یک پروژه که قرار است مشکل قحطی مزمن را که از زمان برگشت آن ها به قدرت، افغانستان گرفتار آن است، حل نمایند. مرحله اول که حفر آن بود در ماه جنوری سال ۲۰۲۶ بدون کمک بین المللی تحقق پذیرفت. به گفته مقامات طالبان طول این پروژه ۲۸۵ کیلومتر و بصورت مجموعی یک سطح را که مساحت آن در حدود ۵۵۰۰۰۰ هکتار زمین را در برمی گیرد، آبیاری و برای ۲۵۰۰۰۰ نفر در زمینه زراعت کار خلق خواهد گردید، یعنی برای دو لک پنجاه هزار نفر در زمینه زراعت کار ایجاد می شود.

به همه حال این ارقام به سطح بلند، همسایگان آسیای مرکزی افغانستان را و هم کشور هائی را که در مسیر انحراف آب دریا قرار دارند و از آن آب استفاده می کنند، شدیداً به تشویش انداخته است. از نظر رسمی این رقم ممکن است در سال ۲۰۲۸ نزدیک به یک چهارم آب دریا برسد، این رقم توسط بعضی از متخصصان و اهل فن مورد تردید قرار گرفته است، و آنها کسانی هستند که به مهندسی طالبان شک دارند.

اگر از فرضیه بالا (۲۵٪) شروع کنیم امکان دارد که جریان دریای آمو تا سال ۲۰۳۰ تا ۳۰٪ کاهش یابد، علاوه تأثیرات گرم شدن اوضاع جوی یک کاهش شدید، مناطق خوارزم و قراقرم را که در پائین تر قرار دارند به شدت متأثر بسازد. ممکن است، تقریباً ۲۵۰۰۰۰ شغل زراعتی مورد تهدید قرار گیرد که منجر به از دست دادن (۷، ۰٪) تولید ناخالص داخلی می شود.

وضعیت در ترکمنستان بحرانی تر خواهد شد، زیرا کانال Karakoum (قراقرم) ممکن است در ماه های تابستان از جریان آب محروم شود که تقریباً تمامی تولیدات ملی مانند پنبه و گندم را تهدید می کند.

هیچ یک از کشور های همسایه پیش بین نبودند که افغان ها قصد دارند بالای دریای آمو کار را شروع کنند، قرارداد الماتای (Almatay) که به تاریخ ۱۸ فبروری سال ۱۹۹۲ امضاً شده بود فقط سهمیه هائی که در دوران شوروی وجود داشت تکرار می شد. به افغانستان که تا حال مقدار بسیار کم از آن آب استفاده می کرد، توجه یی وجود نداشت.

در حقیقت قسمت زیاد آب دریای آمو از کوه های هنوکش که در افغانستان موقعیت دارد، سرچشمه می گیرد و دوازده فیصد گل جریان آب دریا را تأمین می کند.

به اساس حقوق بین الدول، افغانستان حق دارد از قسمتی آب دریای آمو استفاده کند، اما مؤظف است با کشور های همسایه مشورت کند. تحت رهبری طالبان افغانستان که عضو کانوانسیون سازمان ملل در مورد حفاظت و استفاده از آب های دریا و دریاچه های بین السرحدی نیست، اما به ابتکار خود عمل می کند. آیا طالبان می توانند که این متن را که در ۱۷ مارچ ۱۹۹۲ در هلسنگی امضاً شده و در ۶ اکتوبر سال ۱۹۹۶ به اجرا در آمد، تصویب کنند، در حالیکه دولت شان به جز روسیه توسط بقیه جامعه بین المللی به رسمیت شناخته نشده است.

دیپلوماسی های تاشکند و عشق آباد اقداماتی را با طالبان آغاز کردند تا درباره حجم آب مذاکره کنند و در عوض کمک در ساحه انرژی و مواد غذایی را پیشنهاد نمودند از طرف دیگر هدف شان اطمینان حاصل نمودن از کیفیت پروژه است، تلاش و هدف شان پائین آوردن حجم آب است.

یک "دیپلوماسی آبی" که اهمیتش زمانی بیشتر گردید که کشور های آسیای مرکزی بعد از بدست آوردن استقلال شان در سال ۱۹۹۱ به مدیریت دسته جمعی حوضه های آبی پایان دادند.

ادامه دارد...